



ترمولک چیست؟

سارا خمر (ترم ۵ پزشکی)

موجودی است که از ذوق بجای زیر پوش با روپوش میخوابد (مورد داشتیم حتی روز اول دانشگاه میخواست با روپوش بیاد فکر کرده میبرنش پزشکی قانونی، مرده رو زنده کنه:))) این موجودات با ذوق تا زمانی که معده شان ندای "من دیگه نمیکشم حاجی" سر بدهد، از غذای سلف تغذیه کرده؛ شبها به عشق جوج و ترشی کلم خوابیده و صبحگاهان به عشق زرشک پلو با مرغ برمیزند.

این گونه ی نادر در ترم اول به وفور در محیط یافت شده و حتی در خالی از سکنه ترین نقاط zbm نیز آنها را در حال کشف به دنبال ناشناخته ها خواهید دید... به گونه ای که چه در ۴ صبح و چه ۱۲ شب وارد حیاط دانشگاه شوید، سایه ها آنها را در الاجیق های مقابل بوفه میبیند که در حال خوردن ایستک و کیک دوقلو اند... ینان مسئولین آموزش را معاون و رئیس دانشکده را آقای مدیر صدا زده و از بکار بردن واژه ی استاد تا لحظه ی مرگ خودداری میکنند...

برای تمامی شوخی های ابکی استاد قهقهه زده و همین جاست که بجای در و گوهر از دهانشان گوله گوله نمک میبارد...

این موجودات شدیداً به دنبال رفرفنس های ۵۰۰ صفحه به بالا بوده و از استاد درباره تکمیل کننده های گایتون و گری، بعد از دور هشتشان میپرسند... در پایان ترم دست در دست هم به دفتر اساتید شبیخون زده و تقاضای نمونه سوال میکنند... گروه های کلاسی را با بحث های فلسفی و چگونگی آفرینش جهان هستی به جنبش کشانده و پس از یک ساعت مکالمه در حالی که شخص مغلوب مشاجره در مانده است، دکمه لغت را لمس کرده و یک هفته بعد با آمادگی بیشتر وارد گروه میشود.

ترم را با گرفتن یک عکس دسته جمعی با سردر دانشکده به پایان رسانده و با هشتک هلو سامر چشم فالوور های خود را به آن مزین میکنند.

ترم غولک چیست؟ موجودی نیمه زنده، تکیده و لاغر اندام که با املت سنتز گذران زندگی میکند؛ وی با شنیدن نام سلف تشنج کرده، نعره زنان به جانب تخت خود دویده و به یاد قیমে های مامانپز با بغض سر به بالین میگذارد؛ از جمله تفریحات ناسالم این موجودات این است که در حین تلاش برای مخفی کردن گذشته ننگین خود، با ترمولک های معصوم شوخی کرده و آنها را به سُخره میگیرند.

دانشجو، عضو بیدار جامعه

فائزه خسروی (ترم ۶ مامایی)

که همانگونه ک در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز بر آن تاکید شده است دانشجو بداند که چطور و چگونه و از چه مسیری باید در تحقق اهداف و آرمان های جامعه ی خود گام بردارد. لذا نکته ی اول در طی این مسیر همان اید در تحقق اهداف و آرمان های جامعه ی خود گام بردارد. لذا نکته ی اول در طی این مسیر همان تاکید شده است درس و علم و تحصیل است چرا که امروز خواست دشمن توقف حرکت علمی دانشجویان است و بنابراین عنصر اول درس و علم و پس از آن آنچه به علم جان و روح می دهد جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است.

دانشگاه باید دیندار باشد و چنین دانشگاهی متمایل به ارزش های انقلاب و اسلام است پس علاوه بر دانشجو، دانشگاه و مسئولین آن و اساتید نقش بسیار مهمی دارند چرا که دانشجو قرار است در محیطی رشد کند که آن ها فراهم می کنند. دانشجو در آینده قرار است در جامعه مسولیت بپذیرد و بخشی از این احساس مسولیت و عملکرد او به تربیت دانشگاهی و اساتید وابسته است. امید است که دانشگاه برای دانشجویان مفید تر واقع شود و هم چنین دانشجویان نیز به نحو احسن استفاده کنند.

در هر جامعه ای مردم دارای نقش ها و مسئولیت های متفاوت هستند و اگر تغییر و مشکلی برای صنفی به وجود بیاید نهایتاً افراد همان صنف معترض می شوند و مگر این که تغییر در زندگی کل جامعه تاثیر داشته باشد آن جاست که همه ی مردم از وضع به جود آمده ابراز نارضایتی خواهند کرد. اما در این میان قشری از جامعه هستند که تنها به مشکلات خود توجه ندارند بلکه کوچکترین تغییر و مشکل و مسئله در جامعه برایشان مهم است و به آن واکنش نشان می دهند؛ قشری که از وضع جامعه ی خود لحظه به لحظه مطلع است و نسبت به مسائل ملت و کشورش دغدغه مند است.

این قشر بیدار جامعه همان دانشجویان هستند و همان طور که حضرت آقا می فرمایند: (دانشجو ودانشگاهی قشر برگزیده جامعه اند. این تعارف نیست. شماها آینده ی کشورید).

دانشجو و دانشگاه از گذشته تا به الان در شرایط و برهه های حساس کشور در میدان حاضر بوده و نقش آفرینی داشته است زیرا که این رسالت و وظیفه ی هر دانشجویی ست که با بصیرت و احساس تکلیف امید بخش برای آینده ی ملت خویش باشد؛ البته این ها نیازمند آن است



ازدواج دانشجویی

را سرسری بگیرند. پسر باید به منزل خانم دانشجو برود و در محل رشد و نمو و تربیت آن دختر با فرهنگ و فضای شکل گرفتن هویت همسر آینده اش آشنا شود. مسئله ازدواج و پنجاه، شصت سال زندگی مشترک بازیچه نیست!!!

دختر خانم های دانشجو نیز باید در جلسات سوم، چهارم با خانواده همسر آینده خود آشنایی پیدا کنند؛ زیرا محیط خانواده معرف فرهنگ یک خانواده است. حتی رفتار برادران و خواهران کوچکتر که در حیاط مشغول بازی هستند ولی در جلسه خواستگاری شما در دانشگاه حضور ندارند، بیشتر معرف فرهنگ خانواده ی شما هستند.

تحقیقات را منحصر به محیط دانشجویی و دانشگاه نکنید؛ زیرا بنا نیست تا آخر عمر شما در دانشگاه به سر ببرید. از شهر و دیار و محیط زندگی فرد در گذشته نیز اطلاعات کسب کنید تا در مسئله ی کفویت و تطابق به نتیجه گیری صحیحی برسید. هویت محلی و خانودگی افراد، قطعاً با هویت دانشگاهی متفاوت است و نکته مهم در اینجا است که قرار است شما با هویت محلی و خانودگی او زندگی مشترک خود را آغاز کنید. هویت دانشگاهی هویتی گذراست.

یک کل مشترک هستند؛ یعنی هر دو نفر در دانشگاه علوم پزشکی زایل به کسب علم مشغول اند و با ورود به دانشگاه هویت جدیدی یافته اند که در آن هویت احساس وحدت می کنند. در یک تشکل نظریات هم را می پسندند و در شب شعری از ذوق شعری هم خوششان می آید. احساس می کنند به همدیگر می خورند و روحیه شان مثل هم است، ولی همه اینها به هویت دانشگاهی آنان مربوط می شود؛ تا اینکه به هم علاقمند می شوند.

اما وقتی زندگی شکل گرفت، آنها با هویت شهروندی و خانوادگی خودشان وارد زندگی مشترک می شوند نه هویت دانشگاهی و آن موقع متوجه می شوند از نظر فرهنگی تطابق ندارند. یعنی تا قبل از ازدواج همدیگر را از یک بعد می نگرستند و خود را مناسب یکدیگر تشخیص میدادند و ازدواج آن دو باهم صورت گرفت. اما بدیهی است اگر هویت خانوادگی آنها و هویت دانشگاهیشان با هم همخوانی و مطابقت نداشته باشد، منجر به اختلاف می شود زیرا در محیطی خواستگاری صورت گرفته که محیط زندگیشان نبوده است.

از این رو بهتر است خواستگاری ها حتما در خانه و با حضور خانواده دختر صورت گیرد تا با دیدن فضای خانواده همسر مقداری از فضای حاکم بر ذهنش که در دانشگاه شکل گرفته است خارج شود. حتی خواستگاری در واحد مشاوره دانشگاه و تحت نظر مشاور نیز مطلوب نیست و دو طرف نمی توانند در این محیط فرهنگ یکدیگر را شناسایی کنند.

نباید به این بهانه که خانواده های دو طرف در شهرستان دیگری هستند، مسئله مهمی مانند ازدواج

برخی عمده ترین مشکل جوانان برای ازدواج را مشکل اقتصادی آنان می دانند. در سال های گذشته در یک تحقیق میدانی پیرامون مسأله ازدواج دانشجویی بین دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور صورت گرفت و ((بزرگترین معضل ازدواج دانشجویی)) از جمله سوالات آن پرسشنامه بود در پاسخ به این سوال، دانشجویان مجرد معضل اقتصادی را بزرگترین مانع بر سر راه ازدواج دانشجویی دانسته بودند. ولی در پاسخ دانشجویان متأهل معضل و موانع اقتصادی بسیار کمتر مورد نظر آنان بود.

پاسخ دانشجویان متأهل به مراتب از پاسخ دانشجویان مجرد واقعی تر است. دانشجویان مجرد بیشتر بر اساس ابهام و تخیل ذهنی و جو حاکم بر جامعه آن پاسخ را داده بودند، ولی دانشجویان متأهل مشکلات و معضلات را به خوبی لمس و تجربه کرده بودند. دانشجویان متأهل بزرگترین مشکل ازدواج دانشجویی را ((عدم تطابق فرهنگی)) دانسته بودند که در ادامه به طور جامع به آن می پردازیم.

این موضوع از مهمترین و جدی ترین مسائل ازدواج در جامعه کنونی است. یعنی در گذشته این مسئله در امر ازدواج زیاد مورد توجه قرار نمی گرفت ولی امروزه اگر درجه بسیار اندکی هم تفاوت فرهنگی بین طرفین باشد، بسیار زود نمود میکند. از این رو، پرداختن به این موضوع باید بسیار موشکافانه و دقیق باشد.

حال برای اینکه ببینیم چرا دانشجویان متأهل گفتند بزرگترین مشکل ازدواج دانشجویی عدم تطابق فرهنگی است به مقایسه فرضی دو دانشجوی این دو دانشجو هر کدام در محیط دانشجویی و

راه های ارتباطی با کانون نشریات کالک

ارتباط با مدیر مسئول هفته نامه
@ali_z976

کانون بسیج دانشجویی دانشگاه
@basij_zbmu

صفحه اینستاگرام
basij_zbmu